



ضرورت عرضه خویش به انسان قرآنی و انسان کامل

نخستین رسالت انسان این است که بفهمد پویاست یا مرتجع؛ متشابه است یا محکم؛ اگر متشابه است...

نخستین رسالت انسان این است که بفهمد پویاست یا مرتجع؛ متشابه است یا محکم؛ اگر متشابه است، در مسیر محکم شدن گام می‌نهد یا خیر. وجود مبارک امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود که هر کس در هر کاری نخست باید ببیند اهل سیر و سلوک است یا گرفتار ارتجاع: #171؛ فلینظر ناظر أسائر هو أم راجع». (راجع و راجع)

انسان، خواه ناخواه، همواره می‌کوشد و در حرکت و جریان است: سخن می‌گوید، می‌بیند، می‌نشیند، فکر می‌کند و کار انجام می‌دهد؛ اما آیا در کارهایش پویاست یا مرتجع؟

او با بصیرت ملکوتی خویش باید دریابد به کدام سمت می‌رود. کسی که چشم خویش فرو می‌بندد، نمی‌داند به سوی هدف می‌رود یا از آن دور می‌شود. حرکت می‌کند و مسیری را می‌پیماید؛ اما نمی‌داند اهل سیر و سلوک و حرکت، پویایی و پایایی است؛ یا گرفتار ارتجاع، هبوط و سقوط. انسان با عرضه خود به میزان وزین قرآن و عترت می‌تواند بفهمد پویاست یا راجع؛ متشابه است یا محکم.

احادیث منقول، کلمات تدوینی صاحب شریعت؛ و آحاد انسانی، کلمات تکوینی خدای سبحان است. همان‌گونه که برای بررسی مضمون احادیث، چه در صورت تعارض و چه در حالت انفراد، باید آنها را به کتاب الهی عرضه کرد تا موافق آن پذیرفته و مخالف آن طرد و مابین آن بر دیوار زده شود، آحاد انسانها و مکاتب انسانی نیز در صورت تضارب و تعارض آراء، حتی در صورت انفراد، باید خود را به قرآن و سنت قطعی عترت معصوم (علیهم السلام) عرضه کنند و اگر مخالف و مابین با آن بودند، خویش را تهذیب و مطابق الگوی قرآنی و عینی اصلاح کنند و چنانچه موافق با آن بودند، شاکر باشند. هر مکتب نیز که موافق با قرآن بود، پذیرفته می‌شود، وگرنه طرد می‌گردد. البته مخالفت با وحی است که مانع پذیرش است و موافقت با آن، شرط پذیرش نیست.

1. نهج البلاغه، خطبه 154.

تفسیر انسان به انسان، ص 254-255